

- ۱- انسان به وسیله‌ی تجهیزات جدید در اعماق دریاها فرو می‌رود. (۰/۵)
- ۲- ثروتمندان به فقیران اجازه نمی‌دهند که به استقبال بیایند. (۰/۵)
- ۳- ما شهیدان را گرامی می‌داریم زیرا آن‌ها جان‌هایشان را فدا کردند. (۰/۵)
- ۴- حرص و طمع را ترک کن تا در راحتی زندگی کنی. (۰/۵)
- ۵- اگر مردم را خبر کنی پس جوان‌مردی در دنیا باقی نمی‌ماند. (۰/۵)
- ۶- افسردگی (۰/۲۵)
- ۷- ظن (۰/۲۵)
- ۸- النشاط (۰/۲۵)
- ۹- افضل (۰/۲۵)
- ۱۰- نحن نغتنم فرصة الشباب. (۰/۵)
- ۱۱- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۵) (یئدفع: رهسپار می‌شود)
- ۱۲- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۵) لم + مضارع ← ماضی منفی  
ترجمه  
ثانیاً: فعل منفی ... + الا ← فقط + جمله‌ی مثبت
- ۱۳- دوستی (۰/۲۵)
- ۱۴- بدکاران (۰/۲۵)
- ۱۵- نبوسید (۰/۲۵)
- ۱۶- جهاد کن (۰/۲۵)
- ۱۷- لا، هو يستعمل اذنه عند الطيران... (لا، لا یستفید الخفاش من عیونه عند الطيران). (۰/۵)
- ۱۸- تترك الام مولودها لیحتمل المشقات بنفسه. (۰/۵)
- ۱۹- یبتعد الخفاش عن الموانع بواسطة حاسة سمع حادة. (۰/۵)
- ۲۰- الخفاش: مبتدا و مرفوع (۰/۲۵) - اذُن: مفعول به و منصوب (۰/۲۵)
- ۲۱- (۱) خارج شد (۰/۲۵) (۲) درحالی که (۰/۲۵) (۳) به ما (۰/۲۵) (۴) آموخته بود (آمocht) (۰/۲۵)

۲۲- ۱) آن: این (۰/۲۵) - ۲) روشن: دلربا (۰/۲۵)

۲۳- ۱) فقط (۰/۲۵) - ۲) اضافه خواهیم کرد (۰/۲۵)

۲۴- مکبرین (اولا حال باید منصوب باشد، ثانياً به تبعیت از «الابناء» باید جمع بیاید.) (۰/۲۵)

۲۵- اجتهادا (اسم تفضیل «اکثر» نیاز به رفع ابهام تمیز دارد، پس جواب باید جامد باشد.) (۰/۲۵)

۲۶- تعجباً (مفعول مطلق، مصدر فعل جمله است.) (۰/۲۵)

۲۷- اینها (اولا چون «النفس»، «ال» دارد، «یا» نمی تواند به تنهایی بیاید و ثانياً «النفس» مونث است.) (۰/۲۵)

۲۸- حلو (معطوف به «مر» و منصوب) (۰/۲۵)

۲۹- الجاهلین (مستثنای غیر مفعول و منصوب) (۰/۲۵)

۳۰- المفعول فیه: عند (۰/۲۵)، المستثنی: الحق (۰/۲۵)، المفعول المطلق و نوعه: مشاهدۀ، نوعی (۰/۲۵)، التمییز: عملاً (۰/۲۵)،  
الفعل المضاعف: ودّ (۰/۲۵)، الحال: و هو یجتهد فی عمله (۰/۲۵)، صاحب حال: الطالب (۰/۲۵)، المنادی: اللهم (۰/۲۵)،  
نوع منادی: علم یا لفظ جلاله یا مفرد (۰/۲۵)

۳۱- ۱) یصفوا ← معتل مثال (و ص ف) - ۲) یفید ← معتل اجوف (ف ی د) (۰/۵)

۳۲- عفا ← یعفو ← مخاطب ← امر ← اعف (۰/۲۵)

۳۳- غدن (۰/۲۵)

۳۴- یا مجیب (۰/۲۵) (منادای مضاف و منصوب) - الدعوات (۰/۲۵) (مضاف الیه و مجرور) - محیه (۰/۲۵) (تمییز و منصوب)

۳۵- (الطلاب: الطلاب، اسم کان و مرفوع) (۰/۲۵) - (یستمع: یستمعون) (۰/۲۵) - (خاشعون: خاشعین، حال و منصوب) (۰/۲۵)

۳۶- ظاهرة: فاعل و مرفوع (۰/۲۵) - الوان: مضاف الیه و مجرور (۰/۲۵) - الجمیلة: صفت و مجرور (۰/۲۵)

۳۷- الإنسان: نائب فاعل و مرفوع. ضعیفاً: حال و منصوب (۰/۵)

۳۸- تمییز و منصوب (۰/۲۵)

۳۹- قرآن اجازه نمی دهد به مردم که دنیا را رها کنند. (۰/۵)

۴۰- دنیا خیال زودگذری است به ندرت باقی می ماند. (۰/۵)

- ۴۱- ما باید شهیدان را به عنوان چراغی که ما را به راه حق هدایت می کنند برگزینیم. (۰/۵)
- ۴۲- ارتش ایمان و نور در رویارویی با کفر و تاریکی رهسپار شدند. (۰/۵)
- ۴۳- قرآن همه بنی آدم (انسانها) را با فرهنگ‌های مختلفشان مورد خطاب قرار می دهد. (۰/۵)
- ۴۴- فرزند گفت : از پروردگارت بخواه که گناه بزرگ مرا ببخشد. (۰/۵)
- ۴۵- التلاميذ يتلون القرآن في المدرسة . (۰/۵)
- ۴۶- باشکوه (۰/۲۵)
- ۴۷- الصیدلة (۰/۲۵)
- ۴۸- الكبير (۰/۲۵)
- ۴۹- الاحسان (۰/۲۵)
- ۵۰- تا زندگی کنی (۰/۲۵) فعل مضارعی که پس از یک فعل امر یا نهی بیاید اولاً مجزوم می شود (تعش) و ثانیاً با حرف «تا» ترجمه می شود.
- ۵۱- سر و صدا (۰/۲۵)
- ۵۲- نزدیک نخواهد شد: لن + مضارع: آینده منفی (۰/۲۵)
- ۵۳- استقامت (۰/۲۵)
- ۵۴- تكلمت المعلمة في الحصبة الاخيرة. (۰/۵)
- ۵۵- تنعقد الحفلة في قاعة التربية و التعليم. (۰/۵)
- ۵۶- كان ابوها معلما شهيدا. (۰/۵)
- ۵۷- مبتدا و مرفوع (۰/۲۵) - صفت و مجرور به تبعیت (۰/۲۵)
- ۵۸- با پشیمانی (پشیمان: صفت است نه حال) (۰/۲۵) - درحالی که (و: حالیه نیست) (۰/۲۵) - وعده داده (برگشت) (۰/۲۵)
- ۵۹- احساس می کند (احساس کرده است/ احساس کرد) (۰/۲۵) - کشور (کشورش) (۰/۲۵) - رنج نمی برد (می برد) (۰/۲۵)
- ۶۰- نگاه کردیم (نگاه می کنیم) (۰/۲۵) - وحشت (حیرت) (۰/۲۵)
- ۶۱- اجتهاداً : مفعول مطلق باید از مصدر فعل جمله باشد. ← اجتهد، يجتهد، اجتهاد (۰/۲۵)

۶۲- شاکرات: حال مفرد و منصوب (۰/۲۵)

۶۳- اخلاقاً: فعل «حَسَنَ» نیاز به تمییز دارد که باید جامد باشد. (۰/۲۵)

۶۴- الخفاشُ: جمله‌ی قبل از الا فاعل ندارد بنابراین پس از الا باید اسم مرفوع بیاید. (۰/۲۵)

۶۵- الاعزاء (۰/۲۵) (بعد از «اینها» باید اسم مرفوع بیاید.)

۶۶- یهدون (۰/۲۵)

۶۷- حسداً: کلمه‌ی «ذرة» نیاز به تمییز دارد که منصوب است. (۰/۲۵)

۶۸- المفعول فيه (یوم) (۰/۲۵) - المستثنی (المجدین) (۰/۲۵) - المستثنی منه (الناس) (۰/۲۵) - المفعول المطلق (محاسبة) (۰/۲۵) - نوعه (تاکیدی) (۰/۲۵) - التمییز (اجرا) (۰/۲۵) - الفعل المضاعف (فر) (۰/۲۵) - المعطوف (النهار) (۰/۲۵) - الحال (الطائعين) (۰/۲۵) صاحبها (ضمیر بارز تم) (۰/۲۵) - المنادی (اولادی) (۰/۲۵) - نوعه (مضاف) (۰/۲۵)

۶۹- یرث: مثال (۰/۲۵) تب: اجوف (۰/۲۵)

۷۰- لم یتل: اگر حرف عله حرف آخر باشد، هنگام جزم باید حذف شود. (۰/۲۵)

۷۱- الاطفالُ (فاعل و مرفوع) (۰/۲۵) - یتوقف (مضارع منصوب) (۰/۲۵) - عند (ظرف و منصوب) (۰/۲۵)

۷۲- ربّ: منادای مضاف و منصوب (۰/۲۵) حسنة: مفعول و منصوب (۰/۲۵) ابو: اسم کان و مرفوع به واو (۰/۲۵) قولاً: تمییز و منصوب (۰/۲۵)

۷۳- اِنَّ: حرف مشبّهة بالفعل، عامل، مبنی علی الفتح (۰/۲۵)

القرآن: اسم، مفرد، مذکر، معرفه بال، جامد، معرب، منصرف، صحیح الاخر (۰/۲۵) / اسم ان و منصوب (۰/۲۵)  
استخدم: فعل، ماضی، للغائب، مبنی، متعدی، معلوم، ثلاثی مزید (استفعال)، صحیح (۰/۲۵) / خبر اِنَّ و محلاً مرفوع (۰/۲۵)  
الناس: اسم جمع، معرفه به ال، جامد، معرب، منصرف، صحیح الاخر (۰/۲۵) / مضاف الیه و مجرور (۰/۲۵)

۷۴- امام ناراحت شد هنگامی که سواران از اسب‌هایشان برای گرامی داشت او پیاده شدند. (۰/۵)

۷۵- اکتشافات جدید ثابت کرده است که رنگ آبی آخرین رنگی است که پنهان می‌شود. (۰/۵)

۷۶- اشک‌های شادی بر چهره خنساء جاری شد و آیات قرآن را زمزمه کرد. (۰/۵)

۷۷- زنگ زده شد، هنگامی که معلم مرا صدا کرد قلبم به شدت شروع به تپیدن کرد. (۰/۵)

۷۸- خفاش گوش‌هایش را در هنگام پرواز به کار می‌گیرد و مکان اشیاء را درک می‌کند. (۰/۵)

۷۹- و اسم‌ها و عنوان‌ها هیچ ارزشی ندارند تا وقتی که با عمل همراه نباشد. (۰/۵)

۸۰- تعجب، شگفتی (۰/۲۵)

۸۱- اشفق (۰/۲۵)

۸۲- الیاس (۰/۲۵)

۸۳- تغییر (۰/۲۵)

۸۴- شُبُهَة العلماء بالمجاهدين فی سبیل الله. (۰/۵)

۸۵- كانت اروبا تدخل علماءها فی زمرة المارقين من الدين. (۰/۵)

۸۶- انعقدت المراسيم لتكريم الشهداء. (۰/۵)

۸۷- فاعل مرفوع (۰/۲۵)

۸۸- از دين برگشته گان (۰/۲۵)

۸۹- اظهار می کند (۰/۲۵)

۹۰- عادت کردیم (۰/۲۵)

۹۱- در کمین (۰/۲۵)

۹۲- پیری (۰/۲۵)

۹۳- كان الشهداء اصدق الناس قولاً (۰/۵)

۹۴- اجازه نخواهد داد: اجازه نمی دهد (۰/۲۵) / رسیدن به : به دست آوردن (۰/۲۵)

۹۵- نشست : ایستاد (۰/۲۵) / حاکم: داور (۰/۲۵)

۹۶- امشب: آن شب (۰/۲۵) / روزی: روزهایی (۰/۲۵)

۹۷- ناراحتی: شکست (۰/۲۵) خوشحال نمی شوم: خوشحال نشدم (۰/۲۵)

۹۸- البخيلُ (فاعل و مرفوع) (۰/۲۵) عيشَ (مفعول مطلق نوعی و منصوب و چون مضاف است، نباید تنوین بگیرد.) (۰/۲۵)  
الفقراء (مضاف الیه و مجرور) (۰/۲۵)

۹۹- التمييز: حسداً (۰/۲۵) المفعول فيه: عند (۰/۲۵) المفعول المطلق: سبحان (۰/۲۵) المعطوف: الاهلون (۰/۲۵) الحال: مسرورين (۰/۲۵)  
صاحبها: الاولاد (۰/۲۵) المستثنى: ودائع (۰/۲۵) المنادى: الله (۰/۲۵) نوعه: علم (۰/۲۵) الفعل المضاعف: سدَّ (۰/۲۵)

۱۰۰- النبيُّ (۰/۲۵) (بعد از «أَيُّهَا» باید مرفوع بیاید.)

۱۰۱- الجاهلین (۰/۲۵) (مستثنای غیر مفرغ و منصوب)

۱۰۲- خلقاً (۰/۲۵) (تمییز است و باید جامد باشد)

۱۰۳- شاکرات (۰/۲۵) (خبر است و باید مرفوع باشد)

۱۰۴- خیر (۰/۲۵) (اسم لای نفی جنس و مبنی علی الفتح)

۱۰۵- خاشعین (۰/۲۵)

۱۰۶- اجتهاداً (۰/۲۵) (مفعول مطلق نوعی و منصوب و باید تنوین بگیرد)

۱۰۷- لن یقترب (۰/۲۵) (حرف ناصبه) / احفاد (۰/۲۵) (منادای مضاف و منصوب) - مسلمة (صفت و مرفوع) (۰/۲۵)

۱۰۸- لا تقُل (۰/۲۵) (تقول ← لا تقول ← لا تقُل) حذف نهی

۱۰۹- دَعَتْ (۰/۲۵) (دَعُوْث ← دَعَات ← دَعَتْ) حذف قلب

۱۱۰- مثال (۰/۲۵) (از ریشه‌ی «و ص ف»)

۱۱۱- ناقص (۰/۲۵) (در اصل «لم یرجُو» بوده است که حرف‌های آن حذف شده است.)

۱۱۲- ابو: اسم کان و مرفوع به واو (۰/۲۵)  
عبادة: تمییز و منصوب (۰/۲۵)  
فوزاً: مفعول مطلق نوعی (۰/۲۵)  
اشک: خبر کان و منصوب (۰/۲۵)  
الله: مستثنی مفرغ، مفعول و منصوب (۰/۲۵)

۱۱۳- الاغنیاء: اسم - جمع مکسر - مذکر (الغنی) - معرفه بال - مشتق - صفت مشبیه - معرب - غیر منصرف - ممدود الاخر (۰/۲۵)

یشقون: فعل - مضارع - للغائبین - معرب - متعدی - معلوم - ثلاثی مجرد - صحیح - مضاعف (شق) (۰/۲۵)  
علی: حرف جار - عامل - مبنی علی السکون (۰/۲۵)  
هم: اسم - ضمیر متصل مجروری - للغائبین - معرفه - مبنی علی السکون (۰/۲۵)

۱۱۴- خدایا! بر من ببخش اگر چه نالایق هستم . (شایسته نیستم)

۱۱۵- فرزند امیدوار است که پدرش از بیماری شفا یابد. (۰/۲۵)

۱۱۶- دانشمندان مسلمان در شیمی و داروسازی درخشیدند. (۰/۵)

۱۱۷- خنساء پسرانش را که داوطلبانه اسلام آوردند ، تربیت کرد. (۰/۵)

۱۱۸- عبد السلام به احساس پنهانش هنگام پژوهش هایش اشاره می کند. (۰/۵)

۱۱۹- انسان ، با ترس از سرنوشت نجات نمی یابد. (۰/۵)

۱۲۰- رفت (۰/۲۵)

۱۲۱- الصورة (۰/۲۵)

۱۲۲- الباقي (۰/۲۵)

۱۲۳- الحیاة (۰/۲۵)

۱۲۴- كَانَ النَّبِيُّ يَسْكُنُ فِي بَيْتِهِ أُمِّيَّةً. (سؤال: پیامبر (ص) کجا زندگی می کرد؟ جواب: پیامبر در محیطی بی سواد زندگی می کرد.)

۱۲۵- نَسَمِعُ حَتَّى تَتَقَدَّمَ بِلَادِنَا. (سؤال: چرا تلاش می کنیم؟ جواب: تلاش می کنیم تا سرزمینمان پیشرفت کند.)

۱۲۶- تَلَقَى النَّبِيُّ الْحَقَائِقَ مِنَ اللَّهِ الْاِذَى يَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ. (سؤال: پیامبر (ص) از چه کسی دریافت کرد؟ جواب: پیامبر (ص) حقایق را از خدایی دریافت کرد که همه چیز را می داند.)

۱۲۷- شَجَّعَ الْبَارُودِيُّ شَبَابَ بَلَدِهِ. (سؤال: بارودی چه کسانی را تشویق کرده است؟ جواب: بارودی جوانان کشورش را تشویق کرده است.)

۱۲۸- الشَّهَدَاءُ سَرَّاجِنَا إِلَى الْحَقِّ. (۰/۵)

۱۲۹- شروع کرد (۰/۲۵) (اِخَذَ، وقتی همراه فعل مضارع به کار رود، معنی «شروع کرد» می دهد.)

۱۳۰- تجویز می کنند (۰/۲۵)

۱۳۱- يَتَكَوَّنُ (۰/۲۵)

۱۳۲- سوگند به (۰/۲۵)

۱۳۳- رنگ ← رنگ های (۰/۲۵) ، زیبا ← زیبایی (۰/۲۵) ، شد ← می شود (۰/۲۵) ، آسمانی ← آسمان (۰/۲۵)  
طلوع می کند ← می شود (۰/۲۵)

۱۳۴- پاشیمانی ← پشیمان (۰/۲۵) وعده داد ← بازگشت (۰/۲۵) درحالی که ← و (۰/۲۵)

۱۳۵- تمییز ← شجاعة (۰/۲۵) ، مفعول فیه ← مساء (۰/۲۵) ، مفعول مطلق ← قتال (۰/۲۵) ، نوعه ← بیانی (نوعی) (۰/۲۵)

حال ← يظنون (۰/۲۵) ، صاحب حال ← المشركون (۰/۲۵) ، المعطوف ← جراءة (۰/۲۵) ، نوع المستثنى ← مفرغ  
منادی ← احفاد (۰/۲۵) ، نوعه ← مضاف (۰/۲۵) ، فعل مضاعف ← يظنون (۰/۲۵)

۱۳۶- تُكْرَم (مضارع منصوب به ان) (۰/۲۵) - شَخْصِيَّةً (مفعول به و منصوب) (۰/۲۵) - عَظِيْمَةٌ (صفت و مرفوع به تبعیت) (۰/۲۵)

۱۳۷- اِخْبَارًا (مفعول مطلق و منصوب و مصدر باب افعال) (۰/۲۵)

۱۳۸- الْمُؤْمِنُونَ (۰/۲۵) (در جمله‌ی پیش از الا، اسم کان وجود ندارد لذا باید مستثنی مرفوع باشد)

۱۳۹- نَظْرِيَاثٌ (۰/۲۵) (آراء: نائب فاعل و مرفوع ← نظریات: معطوف و مرفوع ← در حرکت‌گذاری اولویت با تنوین است) نکته: «توجَّد» فعل مجهول است.

۱۴۰- خُلِقًا (۰/۲۵) (فعل «طاب» احتیاج به تمییز دارد که باید نكرة و منصوب باشد. «اخلاق» بی‌دلیل تنوین نگرفته است.)

۱۴۱- اَلْهَمْنِي (۰/۲۵) (فعل مورد نظر باید للغائب باشد که این فعل این‌گونه نیست.)

۱۴۲- الْمَذْعُورِيْنَ (۰/۲۵) (کلمه‌ای که در جای خالی می‌آید، می‌تواند «حال و منصوب» و یا «صفت و مرفوع» باشد. «الْمَذْعُورِيْنَ» چون «ال» دارد، نمی‌تواند حال باشد و چون منصوب است نمی‌تواند صفت باشد.)

۱۴۳- تَفَرَّقَ ← تَفَرَّقَ (۰/۲۵) (لم ← ادات استفهام است به معنی «چرا» و نمی‌تواند فعل را مجزوم کند.)

۱۴۴- اَنْ ← اَنْ (بر سر فعل مضارع آمده و آن را منصوب کرده است) (۰/۲۵)، عَمَلًا ← عَمَلٌ (مضاف است و تنوین نمی‌پذیرد) (۰/۲۵)

۱۴۵- تَفَرَّقَ ← ماضی ← فَارَ ← للغائبات ← قَرْنَ (۰/۲۵)

۱۴۶- وَقَفَ ← مضارع ← يَقِفْ ← نحن ← تَقِفْ (۰/۲۵)

۱۴۷- چون «النفس» مونث مجازی است، پس فعل مورد نظر باید «للمخاطبة» باشد. عاش ← مضارع ← يَعِيشُ ← انت ← تَعِيشِينَ

امر ← عِيشِي (۰/۲۵)

۱۴۸- مَشَى - مضارع ← يَمْشِي ← هما ← يَمْشِيَانِ (۰/۲۵)

۱۴۹- عمل ← اسم مؤخر کان مرفوع (۰/۲۵)، الدعاء ← مستثنی منصوب (۰/۲۵)، رب ← منادای مضاف منصوب تقدیراً (۰/۲۵) یوم ← مفعول به و منصوب (۰/۲۵) - عَارَ: مبتدای مؤخر و مرفوع (۰/۲۵)

۱۵۰- تحلیل کامل هر کلمه (۰/۲۵) نمره

مر: مفرد - مذکر - جامد مصدری - معرف بالإضافة - معرب - منصرف - صحیح الآخر  
ان: حرف من الحروف المشبهة - عامل نصب - مبني على الفتح  
ينه: فعل مضارع - للغائب - معرفة - ثلاثی مجرد - معتل ناقص - معرب - متعدی - معلوم  
ه: ضمير متصل - للغائب - معرفة - مبني على الضم

۱۵۱- انسان بوسیلهی تجهیزات جدید در اعماق دریاها فرو می رود.

۱۵۲- ثروتمندان به فقیران اجازه نمی دهند که به استقبال بیایند.

۱۵۳- ما شهیدان را گرامی می داریم زیرا آنها جانهایشان را فدا کردند.

۱۵۴- حرص و طمع را ترک کن تا در راحتی زندگی کنی.

۱۵۵- اگر مردم را خبر کنی پس جوان مردی در دنیا باقی نمی ماند.

۱۵۶- افسردگی (۰/۲۵)

۱۵۷- ظلّ (۰/۲۵)

۱۵۸- النشاط (۰/۲۵)

۱۵۹- افضل (۰/۲۵)

۱۶۰- نحن نغتنم فرصة الشباب. (۰/۵)

۱۶۱- گزینهی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۵) (بندفع: رهسپار می شود)

۱۶۲- گزینهی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۵) اولاً: لم + مضارع ← ماضی منفی

ثانياً: فعل منفی ... + إلا ← فقط + جملهی مثبت  
ترجمه

۱۶۳- دوستی (۰/۲۵)

۱۶۴- بدکاران (۰/۲۵)

۱۶۵- نبوسید (۰/۲۵)

۱۶۶- جهاد کن (۰/۲۵)

۱۶۷- لا، هو يستعمل اذنه عند الطيران... (یا لا، لا يستفيد الخفاش من عیونه عند الطيران.)

۱۶۸- تترك الام مولودها ليحتمل المشتقات بنفسه.

۱۶۹- یبتعد الخفاش عن الموانع بواسطة حاسة سمع حادة.

۱۷۰- الخفاش: مبتدا و مرفوع (۰/۲۵) - اذّن: مفعول به و منصوب (۰/۲۵)

۱۷۱- (۱) خارج شد (۰/۲۵) (۲) درحالی که (۰/۲۵) (۳) به ما (۰/۲۵) (۴) آموخته بود (آموخت) (۰/۲۵)

۱۷۲- (۱) آن: این (۰/۲۵) - (۲) روشن: دلربا (۰/۲۵)

۱۷۳- (۱) فقط (۰/۲۵) - (۲) اضافه خواهیم کرد (۰/۲۵).

۱۷۴- مکبرین (اولا حال باید منصوب باشد، ثانياً به تبعیت از «الابناء» باید جمع بیاید).

۱۷۵- اجتهاداً (اسم تفضیل «اکثر» نیاز به رفع ابهام دارد، پس جواب باید جامد باشد).

۱۷۶- تعجباً (مفعول مطلق، مصدر فعل جمله است)

۱۷۷- ایشها (اولا چون «النفس»، «ال» دارد، «یا» نمی تواند به تنهایی بیاید و ثانياً «النفس» مونث است).

۱۷۸- حلو (معطوف به «مرّ» و منصوب)

۱۷۹- الجاهلین (مستثنای غیر مفرّغ و منصوب)

۱۸۰- المفعول فيه: عند (۰/۲۵)، المستثنى: الحقّ (۰/۲۵)، المفعول المطلق و نوعه: مشاهدة، نوعی (۰/۲۵)، التمييز: عملاً (۰/۲۵)، الفعل المضاعف: ردّ (۰/۲۵)، الحال: و هو یجتهد فی عمله (۰/۲۵)، صاحب حال: الطالب (۰/۲۵)، المنادی: اللهم (۰/۲۵)، نوع منادی: علم یا لفظ جلاله یا مفرد (۰/۲۵)

۱۸۱- (۱) یصفوا ← معتل مثال (و ص ف) - (۲) یفید ← معتل اجوف (ف ی د)

۱۸۲- عفا ← مضارع ← یعفو ← مخاطب ← تعفو ← امر ← اغف

۱۸۳- غدن

۱۸۴- یا مجیب (۰/۲۵) (منادای مضاف و منصوب) - الدعوات (۰/۲۵) (مضاف الیه و مجرور) - محیة (۰/۲۵) (تمییز و منصوب)

۱۸۵- (الطلاب: الطلاب، اسم کان و مرفوع) (۰/۲۵) - (یستمع: یستمعون) (۰/۲۵) - (خاشعون: خاشعین، حال و منصوب) (۰/۲۵)

۱۸۶- ظاهرة: فاعل و مرفوع (۰/۲۵) - الوان: مضاف الیه و مجرور (۰/۲۵) - الجمیلة: صفت و مجرور (۰/۲۵)

۱۸۷- الإنسان: نائب فاعل و مرفوع. ضعیفاً: حال و منصوب

۱۸۸- تمییز و منصوب

۱۸۹- روزی که هر کسی آن چه را از کار خیر انجام داده حاضر می یابد. (۰/۵)

۱۹۰- قرآن همه ی انسان ها را با فرهنگ های مختلفشان مورد خطاب قرار می دهد. (۰/۵)

۱۹۱- فرصت را دریاب و از هدر دادن آن بپرهیز، پس رسیدن به عزت در دست یابی به فرصت هاست. (۰/۵)

۱۹۲- عادت کردیم با تقدیم هدایا از خشم پادشاهان در امان بمانیم. (۰/۵)

۱۹۳- مرد با خوشحالی افسار را گرفت و با سرعت دور شد. (۰/۵)

۱۹۴- ما باید شهدا را به عنوان چراغی انتخاب کنیم که ما را به راه حق هدایت می کند. (۰/۵)

۱۹۵- بار (۰/۲۵)

۱۹۶- شیع (۰/۲۵)

۱۹۷- حرّوم (۰/۲۵)

۱۹۸- الاحسان (۰/۲۵)

۱۹۹- نشأت الخنساء فی بیت السیادۃ. (۰/۵)

۲۰۰- کان ابوها رئیس القبیلۃ. (۰/۵)

۲۰۱- تشعرو الخنساء بالکآبۃ بعد فقدان ابیها و اخویها. (۰/۵)

۲۰۲- اشرفت اشعه شمس جدیدۃ علی شبه الجزیرۃ. (۰/۵)

۲۰۳- دست می زدند (۰/۲۵)

۲۰۴- چارپایان (۰/۲۵)

۲۰۵- روانه شدند (۰/۲۵)

۲۰۶- فریاد (۰/۲۵)

۲۰۷- المؤمنون یدعون (۰/۲۵) ربهم بالاخلاص. (مخلصین) (۰/۲۵)

(جمله ی فعلیه هم صحیح می باشد.)

۲۰۸- دوستان: همراهانت (۰/۲۵) / آماده می کنیم: آماده کرده ایم (کردیم) (۰/۲۵)

۲۰۹- با خبر کردی: با خبر کنی (۰/۲۵) / باقی نخواهد ماند: باقی نمی ماند (۰/۲۵)

۲۱۰- آن: این (۰/۲۵) / مطرح می کنند: مطرح می شود. (تطرح: مجهول است.) (۰/۲۵)

۲۱۱- المديرَةُ (فاعل و مرفوع) (۰/۲۵) / امام (ظرف و منصوب) (۰/۲۵) / الجمعِ (مضاف الیه و مجرور) (۰/۲۵)

۲۱۲- التَّمييزُ (اجراً) (۰/۲۵) / المفعول فيه (لحظةً) (۰/۲۵) / المفعول المطلق (تحيةً) (۰/۲۵) / نوعه (نوعی) (۰/۲۵) /  
الحال (متعجباً) (۰/۲۵) / صاحبها (الرجل) (۰/۲۵) / المستثنى (العلم) (۰/۲۵) / المستثنى منه (كل) (۰/۲۵) /  
المنادى (ربك) (۰/۲۵) / نوعه (مضاف) (۰/۲۵)

۲۱۳- ایمانا (امتلاً نیاز به تمییز دارد ← تمییز، جامد، نکره و منصوب است.) (۰/۲۵)

۲۱۴- الحقُّ (لا یقالُ فعل مجهول است و «الحقُّ» مستثنی مفعول با اعراب نائب فاعل است.) (۰/۲۵)

۲۱۵- الطالباتُ (بعد از «اینها» باید مونث و مرفوع باشد.) (۰/۲۵)

۲۱۶- خیراً (بعد از کلمه‌ی «ذره» باید تمییز بیاید که نکره و منصوب است.) (۰/۲۵)

۲۱۷- مبشِّرینَ (حال مفرد است و باید اولاً منصوب باشد، ثانیاً با توجه به «الانبياء» باید جمع باشد.) (۰/۲۵)

۲۱۸- احسانٌ (مفعول مطلق است که چون مضاف است تنوین نمی گیرد و باید از باب افعال باشد.) (۰/۲۵)

۲۱۹- الجمیلَةُ (صفت و مجرور به تبعیت از «الوان») (۰/۲۵)

۲۲۰- لا تردُّ (۰/۲۵) / والفجرِ («واو» سوگند جزء حروف جز است.) (۰/۲۵) / ذا الرحمةِ (ذا: منادای مضاف و منصوب) (۰/۲۵)

۲۲۱- لا تُخَفُّ (خاف) ← یخافُ ← تخافُ ← لا تخافُ ← لا تُخَفُّ (حذف مجزوم مخاطب مضارع) (۰/۲۵)

۲۲۲- ادعُ (اگر حرف عله آخر فعل باشد، هنگام جزم، حرف عله حذف می شود.) (۰/۲۵)

۲۲۳- ناقص (۰/۲۵)

۲۲۴- مثال (۰/۲۵)

۲۲۵- الشاعر: اسم کان و مرفوع (۰/۲۵) / قد احسق: خبر کان (جمله‌ی فعلیه محلاً منصوب) (۰/۲۵) / بلاد: اسم انّ و منصوب (۰/۲۵) / الکسالة: مستثنی مفعول (مفعول به و منصوب) (۰/۲۵) / الخمول: معطوف (۰/۲۵)

- ۲۲۶- اِنْ: حرف مشبّهة بالفعل / عامل / مبنی علی الفتح. (۰/۲۵)
- هذا: اسم اشاره / مفرد / مذکر / معرفه / مبنی علی السکون (۰/۲۵)
- یهدی: فعل مضارع / للغائب / مجرد ثلاثی / متعدی / معلوم / معرب / معتل ناقص (۰/۲۵)
- اقوم: اسم / مفرد / مذکر / نکره / مشتق / اسم تفضیل / معرب / غیر منصرف / صحیح الآخر (۰/۲۵)
- ۲۲۷- خدایا مرا با هدایت گویا کن و تقوا را به من الهام کن. (۰/۵)
- ۲۲۸- پدیده‌ی رنگین کمان در روزهای بارانی ظاهر می‌شود. (۰/۵)
- ۲۲۹- ارتش ایمان و نور در رویارویی با کفر رهسپار شدند. (۰/۵)
- ۲۳۰- در این جشن می‌خواهیم شخصیتی را گرامی بداریم که دارای مقام بزرگی است. (۰/۵)
- ۲۳۱- قرآن به مردم اجازه نمی‌دهد که دنیا را رها کنند. (۰/۵)
- ۲۳۲- شاعر، جوانان را به استفاده از فرصت‌ها تشویق کرد. (۰/۵)
- ۲۳۳- انسان در گذشته نمی‌توانست در دریا غواصی کند. (۰/۵)
- ۲۳۴- این اخلاق (خوی) ماست قطعاً شما بیهوده بر خودتان سخت می‌گیرید. (۰/۵)
- ۲۳۵- کودکی (۰/۲۵)
- ۲۳۶- درخشید (۰/۲۵)
- ۲۳۷- شکار شده (۰/۲۵)
- ۲۳۸- انزعج / حزن (۰/۲۵)
- ۲۳۹- الحركة (۰/۲۵)
- ۲۴۰- تربت (۰/۲۵)
- ۲۴۱- ذهب خلیفة المسلمین الی مدینة الانبار. (۰/۵)
- ۲۴۲- یستقبل الناس امامهم بحفاوة. (۰/۵)
- ۲۴۳- نعم، خرج الاغنیاء و المترفون الی باب المدینة. (۰/۵)
- ۲۴۴- مرفهان (۰/۲۵)
- ۲۴۵- غنی (۰/۲۵)

۲۴۶- افسردگی (۰/۲۵)

۲۴۷- نبوسید (۰/۲۵)

۲۴۸- شلوغ (۰/۲۵)

۲۴۹- دلسوزی کرد (۰/۲۵)

۲۵۰- اللهم اجعل محبتك في قلوبنا. (۰/۵)

۲۵۱- مورد ۲ صحیح است. (كان + قد + بلغوا ← ماضی بعید)

۲۵۲- مورد ۱ صحیح است. (۰/۵)

۲۵۳- مورد ۲ صحیح است. (۰/۵)

۲۵۴- مورد ۲ صحیح است. (۰/۵)

۲۵۵- الله (فاعل و مرفوع) / القرآن (مفعول و منصوب) هر مورد (۰/۲۵)

۲۵۶- بلندی ← کوتاهی (۰/۲۵) دریافت می کند. ← می فرستد (۰/۲۵)

۲۵۷- احساس می کرد ← احساس کرده است. (۰/۲۵) کشور ← کشورش (۰/۲۵)

۲۵۸- اسب ← اسب سوار (۰/۲۵) ادامه داد ← ادامه می داد (۰/۲۵)

۲۵۹- التمييز (ایماناً) / المفعول فيه (عند) / المفعول المطلق (ابتسامه) / نوعه (نوعی) / الحال (ضاحكا) / صاحبها (الطفل) / مستثنی (وجه) / المستثنی منه (كل) / منادی (اللهم) / نوعها (علم / مفرد) / الفعل المضاعف (رد) (هر مورد (۰/۲۵)

۲۶۰- الحق (۰/۲۵) جمله‌ی پیش از الا مفعول به ندارد لذا مستثنی، منصوب می شود.

۲۶۱- اینها (۰/۲۵) «النفس» مؤنث مجازی است.

۲۶۲- لسانا (۰/۲۵) «اصدق» اسم تفضیل است و نیاز به تمیز دارد ← تمیز باید جامد باشد.

۲۶۳- احسانا (۰/۲۵) مفعول مطلق است و باید تنوین بگیرد.

۲۶۴- قانعات (۰/۲۵) حال است و باید منصوب باشد، جمع مؤنث سالم با کسره منصوب می شود.

۲۶۵- ذا (۰/۲۵) منادای مضاف و منصوب به «الف» (یادآوری: اسماء خمسة با «الف» منصوب می شوند).

۲۶۶- راضية (۰/۲۵) حال و منصوب

- ۲۶۷- یصل (۰/۲۵) حرف علهی «واو» در معتل مثال مضارع، حذف می‌شود.
- ۲۶۸- تلت (۰/۲۵) حرف عله در صیغهی للغائیه ماضی، در اکثر فعل‌ها حذف می‌شود.
- ۲۶۹- ناقص (۰/۲۵) از ریشهی «ن ه ی» که به دلیل مجزوم شدن با «لم» حرف علهی آن حذف شده است.
- ۲۷۰- اجوف (۰/۲۵) از ریشهی «توب»
- ۲۷۱- خیر: اسم لای نفی جنس / متلون: صفت / النهار: معطوف (هر مورد ۰/۲۵)
- ۲۷۲- یعلم: فعل مضارع / للغائب / مجرد ثلاثی / متعدی / معلوم / معرب / صحیح و سالم. (۰/۲۵)  
 ا: حرف مشبیهة بالفعل / عامل / مبنی علی الفتح. (۰/۲۵)
- الباقی: اسم / مفرد / مذکر / معرفه ذوللام / مشتق / اسم فاعل / معرب / منصرف و منقوص. (۰/۲۵)
- ۲۷۳- زمانی که فتنه‌ها هم‌چون پاره‌های شب تاریک بر شما چیره شود به قرآن پناه ببرید. (۰/۵)
- ۲۷۴- طمع را رها کن تا در راحتی زندگی کنی، به ندرت به آرزویش می‌رسد کسی که حریص باشد. (۰/۵)
- ۲۷۵- جشن بزرگی برای بزرگداشت شخصیتی که خودش را فدا کرد، برگزار می‌شود. (۰/۵)
- ۲۷۶- پسران رهسپار شدند در حالی که از خدا می‌خواستند به وسیلهی آنها دینش را قوی کند. (۰/۵)
- ۲۷۷- رسول خدا (ص) گروهی را مشاهده کرد که کاری جز دعا کردن نداشتند. (۰/۵)
- ۲۷۸- ما خودداری می‌کنیم که از اموال شما بخوریم، آنرا از مالیات شما حساب می‌کنیم. (۰/۵)
- ۲۷۹- مسلمانان به دورترین نقاط زمین در جست‌وجوی علوم سفر می‌کردند. (۰/۵)
- ۲۸۰- پیامبر (ص) ناراحت شد برای این که مرد دخترش را نبوسید. (۰/۵)
- ۲۸۱- در کمین (۰/۲۵)
- ۲۸۲- دست می‌زنند (۰/۲۵)
- ۲۸۳- دلربا (۰/۲۵)، جذاب
- ۲۸۴- بحفاوة (۰/۲۵)
- ۲۸۵- نقص (۰/۲۵)
- ۲۸۶- البكاء (۰/۲۵)

۲۸۷- جعل الله الانسان زوجين ذكرا وانثى. (۰/۵)

۲۸۸- اكتشف العلماء ان الالكترون يدور حول نواة المادة. (۰/۵)

۲۸۹- لا، لم يقتصر نظام الزوجي على الانسان بل شمل عالم النباتات و الجماد ايضا. (۰/۵)  
ترجمه‌ی متن: خداوند انسان را خلق کرد و برای او یک جفت نر و ماده قرار داد، این نظام به انسان محدود نشده است بلکه جهان گیاهان و اجسام بی جان را هم شامل شده است. در سال‌های اخیر، دانشمندان فیزیک کشف کردند که الکترون به دور هسته‌ی ماده می‌چرخد. فیزیکدان مسلمان، محمد عبد السلام همان کسی است که پژوهش‌های مهمی در موضوع شبیه‌سازی‌های ماده انجام داد.

۲۹۰- هسته (۰/۲۵)

۲۹۱- قرین (۰/۲۵)

۲۹۲- هدیه دهیم. (۰/۲۵)

۲۹۳- بدرقه کرد. (۰/۲۵)

۲۹۴- گویا کن، به سخن بیاور - بهتر، خوب‌تر، پاک‌تر (۰/۵)

۲۹۵- اغْتَنِمُوا ايام الشباب مِنْ عَمْرِكُمْ. (۰/۵)

۲۹۶- گزینه‌ی الف (۰/۲۵) (کان + قد + رفعوا ← ماضی بعید)

۲۹۷- گزینه‌ی الف (۰/۲۵) (لن + مضارع ← مستقبل)

۲۹۸- گزینه‌ی ب (۰/۲۵)

۲۹۹- گزینه‌ی ب (۰/۲۵) (کنت + اظن ← ماضی استمراری، نسی ← فعل مجهول)

۳۰۰- گزینه‌ی الف (۰/۲۵)

۳۰۱- گزینه‌ی ب (۰/۲۵) (اصدق ... لسانا ← راستگوترین)

۳۰۲- بعض ← فاعل - الماضیة ← صفت و مجرور (۰/۵)

۳۰۳- ماء (زیرا به تمییز احتیاج داریم). (۰/۲۵)

۳۰۴- تخف (لا تخاف ← التقای ساکنین ← حذف حرف عله ← لاتخف) (۰/۲۵)

۳۰۵- پایین ← پایین‌تر (۰/۲۵) به آرامی ← با مهربانی (مدارا) (۰/۲۵)

۳۰۶- اجازه نداد ← اجازه نمی‌دهد (۰/۲۵) برای ← به بهانه (۰/۲۵)

۳۰۷- زیباترین ← عجیب‌ترین (۰/۲۵)

حرکت ← پرواز (۰/۲۵)

۳۰۸- التمییز (ایماناً) / المفعول فيه (لیلاً) / المفعول المطلق (اطمئناناً) / الحال (مشفقاً) / صاحبها (الأم) / الفعل المضاعف (لا توءد) / المستثنى (اللغة) / المستثنى منه (جميع) / منادی (اله) / نوعه (مضاف) / المعطوف (نهاراً). (۲/۷۵)

۳۰۹- قراءه (نیاز به تمییز داریم). (۰/۲۵)

۳۱۰- المجدون (۰/۲۵) «المجدون» مستثنی مفرغ است و چون جمله‌ی قبل از «الا» احتیاج به فاعل دارد پس گزینه‌ی درست همین می‌باشد.

۳۱۱- ذهباً (۰/۲۵) (پس از کلمه‌ی مبهم «مقال» باید تمییز آورده شود).

۳۱۲- مشارکة (۰/۲۵) مفعول مطلق تأکیدی بوده و باید مصدر منصوب فعل جمله باشد.

۳۱۳- خاشعات (۰/۲۵) حال می‌باشد و چون صاحب حال «الطالبات» است پس همین گزینه صحیح می‌باشد.

۳۱۴- فرح (۰/۲۵) خبر برای «هو» می‌باشد و «و هو فرح» جمله‌ی حالیه می‌باشد.

۳۱۵- يتلوون ← يتلون (۰/۲۵)

۳۱۶- تصفین ← امر ← صفی (۰/۲۵)

۳۱۷- ناقص (۰/۲۵) (از ریشه‌ی «شفی» است).

۳۱۸- اجوف (۰/۲۵) (از ریشه‌ی «عود» است).

۳۱۹- ائى: منادی نکره‌ی مقصوده (مبنی بر ضم) / مستقبل: اسم ائ (منصوب) (۰/۵)

۳۲۰- المؤمنین: مضاف الیه (مجرور به یاء) / خلقاً: تمییز (منصوب) (۰/۵)

۳۲۱- كرم: فعل ماض / للغائب / مزید ثلاثی من باب «تفعیل» / متعد / معلوم / مبنی / صحیح و سالم. - من: حرف جر / عامل / مبنی بر سکون. - المجاهدین: اسم / جمع سالم للمذکر / معرفه ذوللام / مشتق اسم فاعل / معرب / منصرف / صحیح الآخر. (۰/۷۵)

۳۲۲- پروردگارا دیدار تو آرزوی من است، پس خشنودیت را به من بخش. (۰/۵)

۳۲۳- عادت کردیم که هدیه دهیم تا از خشم پادشاهان در امان بمانیم. (۰/۵)

۳۲۴- رنگ آبی آخرین رنگی است که در اعماق دریاها پنهان می‌شود. (۰/۵)

۳۲۵- خنساء پسرانش را براساس ارزش‌های اسلامی تربیت کرد. (۰/۵)

- ۳۲۶- سمیره گمان می کرد که پدرش فراموش شده است. (۰/۵)
- ۳۲۷- حرص را رها کن تا در راحتی زندگی کنی. (۰/۵)
- ۳۲۸- قرآن نوری است که جامعه را از ناامیدی به امیدواری خارج می کند. (۰/۵)
- ۳۲۹- هر چیزی هنگامی که زیاد شود ارزان می شود جز ادب. (۰/۵)
- ۳۳۰- مرد، سوارکار را انداخت و نزدیک بود او را بکشد. (۰/۵)
- ۳۳۱- اروپا دانشمندانش را در گروه خارج شدگان از دین داخل می کرد. (۰/۵)
- ۳۳۲- سر و صدا (۰/۲۵)
- ۳۳۳- روانه شدند (۰/۲۵)
- ۳۳۴- برتر (۰/۲۵)
- ۳۳۵- النواة (۰/۲۵)
- ۳۳۶- ۱- الحركة (۰/۲۵) ۲- الاغنياء (۰/۲۵)
- ۳۳۷- اِنَّ تَكْرِيمَ الْاِسْلَامِ لِلْعِلْمِ وَالْعُلَمَاءِ كَان سَبَبَ تَقَدُّمِ الْمُسْلِمِينَ. (۰/۵)
- ۳۳۸- اعترف علماء الغرب بفضل العلماء المسلمين. (۰/۵)
- ۳۳۹- نبغ العلماء في العلوم (۰/۵)
- ۳۴۰- داروسازی (۰/۲۵)
- ۳۴۱- قرن (۰/۲۵)
- ۳۴۲- چشانند (۰/۲۵)
- ۳۴۳- نردبان (۰/۲۵)
- ۳۴۴- جوانان (۰/۲۵) - تشویق کرد (۰/۲۵)
- ۳۴۵- گزینه ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۳۴۶- گزینه ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۳۴۷- گزینه ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۳۴۸- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۳۴۹- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۳۵۰- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۳۵۱- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۳۵۲- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)

۳۵۳- (صاحب - یوم) (۰/۵)

۳۵۴- (لم یشف - ایمانا) (۰/۵)

۳۵۵- باخبر کردی ← باخبر کنی (۰/۲۵) باقی نخواهد ماند ← باقی نمی‌ماند (۰/۲۵)

۳۵۶- کمکی ← جدید (۰/۲۵) شنا کردیم ← شنا می‌کنیم (۰/۲۵)

۳۵۷- گذر ← تلخی (۰/۲۵) چشیده بود ← چشیده است (۰/۲۵)

۳۵۸- التمییز (حسدا) (۰/۲۵) / المفعول فيه (عند) (۰/۲۵) / المفعول المطلق (جرحا) (۰/۲۵) / (الحوال) (فرحین) (۰/۲۵)

صاحبها (الاطفال) (۰/۲۵) / المستثنی (المجدین) (۰/۲۵) / المستثنی منه (الناس) (۰/۲۵)

منادی (رب) (۰/۲۵) / نوعه (مضاف) (۰/۲۵) / المعطوف (النهار) (۰/۲۵)

۳۵۹- احسانا (۰/۲۵)

۳۶۰- شاکرات (۰/۲۵)

۳۶۱- اجتهادا (۰/۲۵)

۳۶۲- العلم (۰/۲۵)

۳۶۳- احفاد (۰/۲۵)

۳۶۴- الراكبون (۰/۲۵)

۳۶۵- سِرِن (۰/۲۵)

۳۶۶- تمشون (۰/۲۵)

۳۶۷- عین: ۱- ناقص (۰/۲۵) ۲- مثال (۰/۲۵)

۳۶۸- للاعراب: خیر (اسم لای نفی جنس و محلا منصوب) / متلون (صفت و مجرور)

۳۶۹- للتحليل الصرفی:

تطلب: فعل مضارع مجزوم / للمخاطب / مجرد ثلاثی / متعد / معلوم / معرب / صحیح و سالم  
الحسنات: اسم / جمع مؤنث سالم / معرف بال / جامد / معرب / منصرف / صحیح الاخر.

۳۷۰- پروردگارا به ما عطا کن آن چه را که به وسیله‌ی پیامبرانت به ما وعده دادی. (۰/۵)

۳۷۱- و از آسمان آبی مبارک نازل کردیم پس به وسیله‌ی آن باغ‌هایی رویاندیم. (۰/۵)

۳۷۲- این دعوتنامه‌ای برای پدران و مادران برای شرکت در جشن بزرگداشت است. (۰/۵)

۳۷۳- قرآن همه‌ی فرزندان بشر را با فرهنگ‌های مختلفشان مخاطب قرار می‌دهد. (۰/۵)

۳۷۴- قطعاً بندگان فردا در درجات به اندازه‌ی عقل‌هایشان بالا می‌روند. (۰/۵)

۳۷۵- برای تو و همراهانت غذایی آماده کرده‌ایم. (۰/۵)

۳۷۶- هر چیزی هنگامی که زیاد شود ارزان می‌شود به‌جز ادب. (۰/۵)

۳۷۷- افسردگی / مصیبت / غم (۰/۲۵)

۳۷۸- گذرا / زودگذر / ناپایدار (۰/۲۵)

۳۷۹- خوابیدم (۰/۲۵)

۳۸۰- عیدالاضحی (۰/۲۵)

۳۸۱- الدنیا (۰/۲۵)

۳۸۲- الافضل / الاحسن (۰/۲۵)

۳۸۳- ولد البارودی فی مصر (۰/۵)

ترجمه‌ی متن: بارودی در مصر به دنیا آمده است. قطعاً تلخی و شیرینی زندگی را چشیده است. پس او تجربه‌هایی با ارزش در زندگی‌اش جمع کرده است. شاعر در قصیده‌اش، جوانان را به استفاده از فرصت‌ها، برای رسیدن به شرف و بزرگی تشویق کرده است.

۳۸۴- تذوق حلو الحیاة و مرها (۰/۵)

۳۸۵- نعم (۰/۲۵) جمع البارودی تجارب قیمة (۰/۲۵)

۳۸۶- تشویق کرد (۰/۲۵)

۳۸۷- التجریة (۰/۲۵)

- ۳۸۸- شگفتی (۰/۲۵)
- ۳۸۹- برگشتگان (۰/۲۵)
- ۳۹۰- پدیده‌ی (۰/۲۵) بارانی (۰/۲۵)
- ۳۹۱- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) (لن + فعل مضارع ← نفی مستقبل)
- ۳۹۲- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) «صاح»: فریاد زد / جمله‌ی «قدیئس...» حالیه می‌باشد.
- ۳۹۳- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) «غَرَّ» ← مغرور کرد.
- ۳۹۴- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) (ما + کان + فعل مضارع ← نفی ماضی استمراری)
- ۳۹۵- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) (در اسلوب استثناء ← «فقط» ترجمه می‌شود).
- ۳۹۶- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) «أحسن» افعال تفضیل می‌باشد و در ترجمه‌ی آن از «تر» و «ترین» استفاده می‌شود.
- ۳۹۷- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) «تدعو» للمخاطب می‌باشد / «ربک»، خدایت
- ۳۹۸- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵) (گوش می‌کند: یستمع)
- ۳۹۹- اموال ← مفعول به (۰/۲۵) / اللیل ← مجرور به حرف جر (۰/۲۵)
- ۴۰۰- یکتشف ← «لم» مجزوم می‌کند. (۰/۲۵) / الاخیر ← صفت «القرن» می‌باشد. (۰/۲۵)
- ۴۰۱- استفاده کرده باشد: استفاده کند. (۰/۲۵) خواهد رسید: می‌رسد (۰/۲۵) (فعل شرط به صورت مضارع ترجمه می‌شود).
- ۴۰۲- اشاره کرد: اصرار کرد (۰/۲۵) آخر: جلو (۰/۲۵)
- ۴۰۳- یاری کردند: پیروز شدند (۰/۲۵) شمرده شدند: شمرده می‌شوند (۰/۲۵)
- ۴۰۴- التمییز: (ادبا) (۰/۲۵) / المفعول فیه: عند (۰/۲۵) / المفعول المطلق: تحیة (۰/۲۵) / نوعه: نوعی (۰/۲۵) / الحال: متعجبا (۰/۲۵)
- صاحبها: الرجل (۰/۲۵) / الفعل المضاعف: رد (۰/۲۵) / المستثنی: الذین (۰/۲۵) / المستثنی منه: الانسان (۰/۲۵) منادی:
- أی (۰/۲۵) / نوعه: نکره‌ی مقصوده (۰/۲۵) / المعطوف: المنافقین (۰/۲۵)
- ۴۰۵- راضیة (۰/۲۵) (حال و منطبق با «الطالیه» که مونث است، می‌باشد).
- ۴۰۶- الصادق (۰/۲۵) (با فرض نبود «الآ»، «الصادق» خبر «لیس» می‌باشد).

۴۰۷- صاحب (۰/۲۵) (منادای مضاف می باشد).

۴۰۸- استغفارا (۰/۲۵) (مفعول مطلق تأکیدی می باشد).

۴۰۹- حسدا (۰/۲۵) (تمییز می باشد زیرا بعد از مقدار «ذرة» آمده است).

۴۱۰- عیونا (۰/۲۵)

۴۱۱- هب (۰/۲۵)

۴۱۲- تنسون (۰/۲۵)

۴۱۳- ۱- اجوف (۰/۲۵) (خوف ← خاف) ۲- ناقص (۰/۲۵) ← تلو ← تلی

۴۱۴- ۱) المدرسة (اسم کانت و مرفوع) (۰/۲۵) مزدحمة (خبر کانت و منصوب) (۰/۲۵)

۴۱۵- الفجر (مجرور به حرف جر) (۰/۲۵)

۴۱۶- حکماء: اسم / جمع مکسر / مذکر / معرف بالاضافه / مشتق (حکیم) / صفت مشبیه / معرب / غیر منصرف / ممدود الاخر (۰/۲۵)

ان: حرف ناصبه / عامل / مبنی علی السکون. (۰/۲۵)

یصفوا: فعل مضارع منصوب / للغائبین / مجرد ثلاثی / متعده / معلوم / معرب / معتل / مثال واوی (۰/۲۵)

۴۱۷- دختر جوان شاعر در خانه‌ی سروری و سخنوری رشد یافت. (۰/۵)

۴۱۸- پروردگارا! مرا با هدایت گویا کن و مرا برای آن چه که نیکوتر است موفق گردان. (۰/۵)

۴۱۹- ما عادت کردیم که هدایا را از اموال و چارپایان برای بزرگداشت پادشاهانمان تقدیم کنیم. (۰/۵)

۴۲۰- انسان در اعماق دریاها به وسیله‌ی تجهیزات جدید غواصی می کند. (۰/۵)

۴۲۱- دختر جوان احساس افسردگی می کرد هنگامی که دو برادرش را در جنگها از دست داد. (۰/۵)

۴۲۲- ما باید شهیدان را به عنوان چراغی برگزینیم (بگیریم) که ما را به راه حق هدایت کند. (۰/۵)

۴۲۳- گاهی چیزی ضرر می رساند در حالی که به سود آن امیدواری، چه بسا تشنه‌ای که با آب زلال گلو گیر شد (خفه شد). (۰/۵)

۴۲۴- قرآن کریم نعمت‌های طبیعی را وسیله‌ای برای بقای زندگی انسان به شمار آورده است. (۰/۵)

۴۲۵- خفاش‌ها گوش‌هایشان را برای خودداری از برخورد کردن با اشیاء در هنگام پرواز به کار می گیرند. (۰/۵)

۴۲۶- هنگامی که کسی را که از نظر درجه از تو پایین تر است دیدی پس او را با مهربانی به سوی خودت بالا بیاور. (۰/۵)

- ۴۲۷- دانشمندان اروپا گفتند: همانا هنگامی که به کتاب‌های مسلمانان می‌نگریم حیرت و شگفتی ما را فرا می‌گیرد. (۰/۵)
- ۴۲۸- پیری (۰/۲۵)
- ۴۲۹- نابودشدنی (۰/۲۵)
- ۴۳۰- عمیق (۰/۲۵)
- ۴۳۱- الاغنیاء (۰/۲۵)
- ۴۳۲- الدُّنیا (۰/۲۵)
- ۴۳۳- السرور، الفرخ (۰/۲۵)
- ۴۳۴- المومنون یرجون الله و یتلون القرآن . (یرجو المومنون الله و یتلون القرآن) (۰/۵)
- ۴۳۵- انداختم (۰/۲۵)
- ۴۳۶- خوشحال (۰/۲۵)
- ۴۳۷- گذرا (۰/۲۵) - روایت می‌شود (۰/۲۵)
- ۴۳۸- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۳۹- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۴۰- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۴۱- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۴۲- گزینه‌ی ۱ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۴۳- گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. (۰/۲۵)
- ۴۴۴- اموال (مفعول به) (۰/۲۵) - التَّهَارِ (معطوف و مجرور بالتبعیت) (۰/۲۵)
- ۴۴۵- الحسنات (مفعول به و منصوب به کسره (اعراب فرعی)) (۰/۲۵)
- ۴۴۶- والد (نائب فاعل) (۰/۲۵)
- ۴۴۷- استفاده کرد ← استفاده کند (۰/۲۵) / رسید ← می‌رسد (۰/۲۵)
- ۴۴۸- بینایی ← شنوایی (۰/۲۵) / مجهز می‌کند ← مجهز کرده‌است (۰/۲۵)
- ۴۴۹- دستور داد ← اصرار کرد (۰/۲۵) / فریاد می‌زدند ← دست می‌زدند (۰/۲۵)

٤٥٠- التمييز: ايماناً (٠/٢٥) / المفعول فيه : حول (٠/٢٥) / المفعول المطلق : اختلافاً (٠/٢٥) / الحال: خائفين (٠/٢٥) صاحبها:  
المشركون (٠/٢٥) / المستثنى: الدعاء (٠/٢٥) المستثنى منه : عمل (٠/٢٥) / المنادى اللهم يا الله (٠/٢٥)

٤٥١- مشاهدتة (٠/٢٥)

٤٥٢- خاشعين (٠/٢٥)

٤٥٣- لسانا (٠/٢٥)

٤٥٤- صاحب (٠/٢٥)

٤٥٥- الجاهلين (٠/٢٥)

٤٥٦- ايئها (٠/٢٥)

٤٥٧- فرؤتم (٠/٢٥)

٤٥٨- ارض (٠/٢٥)

٤٥٩- مثال (٠/٢٥)

٤٦٠- ناقص (٠/٢٥)

٤٦١- حسداً (تمييز مفرد ومنصوب) (٠/٢٥)

٤٦٢- سبجان (مفعول مطلق براى فعل محذوف) (٠/٢٥)

٤٦٣- رب (منادى مضاف ومنصوب) (٠/٢٥) الوهاب (خبر إن ومرفوع) (٠/٢٥)

٤٦٤- يفورؤ: فعل مضارع مرفوع / للغائب / مجرد ثلاثى / لازم / معلوم / معرب / معتل و اجوف. (٠/٢٥)  
المتكاسل: اسم / مفرد / مذكر / معرف بال / مشتق (اسم فاعل) / معرب / منصرف / صحيح الآخر. (٠/٢٥)